



**هشدار رئیس
به «راستگو» نمایی!**
آرمان در فضایی برای «تابه است» و «کتاب»
نمایشگاه گفتگو با «تابه است»

روزنامه آرمان
شماره ۲۰۰۰ - Volume 11 / 11 - ۲۰۰۰



**موادفروشی
کودکان بی هویت**
فصلنامه «فرزندان» در آستانه انتشار
فصلنامه «فرزندان» در آستانه انتشار

روایت حمید رضا جلالی پور و سعید حجاریان از رسیدن به قدرت

«یاران ارزشی» یا «یاران سمت»؟

حجاریان در مسیر بهره بهتر از زمان؛ جلالی پور در انتظار سوئیس شدن ایران!

**قفل کنسرت
در مشهد شکست**
این بار تنها همسر خواننده منع شد

**وام ۸ میلیارد یورویی
کره به ایران**

**آب سنگین خنداب
به جای آب سنگین اراک**

**نویسنده جدید احمدی نژاد
پرونده جدید احمدی نژاد**



محمود صافقی در گفتگو با «آرمان»

پشت پرده عدم رای اعتماد به بیطرف

احتمال تخلف در رای اعتماد به بیطرف وجود دارد
روحانی گفت برای انتخاب کابینه محدودیت دارد
برخی وزرا بیش از صدبار با ناماندگان تماس گرفتند
اصولگرایان برای عدم رای به بیطرف سازماندهی شده بودند

**وزیر نفت؛
کسی اموال
بابک زنجانی
رانمی خرد**

آرمان- آرزو ضیایی: هویت هر فرد با ارزش ترین دارایی اوست. نگاه به یک انسان از سوی اطرافیان و جامعه بیش از تمام مسائل به هویت خانوادگی و پیشینه زندگی او برمی گردد. کودکان بی هویت علاوه بر وضعیت نابسامان خود از نعمت های تحصیل، رشد اجتماعی و خانواده محروم هستند و همواره این مشکل سدی بزرگ برای تحقق زندگی سعادت مند و رضایتمندانه برای آنهاست. فاطمه دانشور، رئیس کمیته اجتماعی شورای چهارم تهران و فعال حوزه کودکان در گفت وگو با «آرمان» می گوید: «کودکان بی هویت علاوه بر آنکه از نعمت تحصیل بی بهره اند همواره در معرض رفتارهای پرخطر مادران معتاد خود قرار دارند و ممکن است به کارهای خلاف روی بیاورند. وضعیت نابسامان این کودکان را باید مورد توجه قرار داد و تمام آنها باید به سازمان بهزیستی سپرده و شناسنامه دار شوند.»

آیا آمار دقیق و مشخصی از تعداد کودکان بی هویت در شهر تهران و حاشیه این شهر وجود دارد؟

متاسفانه سازمانی متولی برای سرشماری این کودکان نداریم و مسئولان دولتی هنوز آماری از این موضوع ارائه نداده اند. موسسه مهرآفرین در زمینه کودکان و مادران بدسرپرست، مادران و کودکان معتاد فعالیت می کند و دو سالی است که بر موضوع آمارگیری از کودکان بی هویت متمرکز است. بر اساس آماری که طرف دو سال تهیه شده اند در استان تهران 765 مادر معتاد و بی خانمان وجود دارد. این مادران در خیابان به سر می برند و تعدادی نیز در پاتوق های مصرف مواد مخدر زندگی پر خطر را تجربه می کنند. از این تعداد 505 نفر آنها شناسنامه دارند و 260 مادر نیز شناسنامه ندارند. از این تعداد 737 نفر آنها تابعیت ایرانی و 28 نفر نیز تابعیت افغان دارند. تمام این مادران یک فرزند شیرخوار دارند و ممکن است که فرزندان دیگری در سنین بالاتر داشته باشند. از این بین سه نفر آنها بین سنین 10 تا 15 سال و پنج

نفر نیز بین سنین 55 تا 60 سال هستند. 218 نفر از این مادران دارای فرزند شیرخوار سنین 25 تا 30 سالگی را تجربه می‌کنند. در واقع عموم تولدها در سنین 25 تا 30 سالگی اتفاق می‌افتد. این مادران و نوزادان آنها دچار اعتیاد هستند. تعداد فرزندان این مادران که شامل شیرخوارگان و کودکان خردسال و زیر 10 سال هستند هزار و 625 نفر است که از این تعداد 936 کودک با شناسنامه و 689 بی‌شناسنامه هستند. از این کودکان هزار و 341 کودک تابعیت ایرانی و 77 کودک تابعیت افغان دارند. بیشتر مادران شیشه مصرف می‌کنند. در واقع از 765 مادر 200 مورد مصرف شیشه و 200 مورد نیز چند مصرفی بوده و شیشه، هروئین و تریاک مصرف می‌کنند. درصد کمی از آنها مصرف متادون، کراک و الکل دارند. کودکان این مادران باتوجه به مصوبات وزارت بهداشت به منظور سم زدایی به بیمارستان منتقل می‌شوند. اگر مددکار بیمارستان خطر سوءرفتار از جنس کودک‌آزاری یا نوزاد یا کودک را احساس کند نوزاد را تحویل سازمان بهزیستی می‌دهند. 287 مورد از این کودکان تحویل بهزیستی شدند که موسسه مهرآفرین نقش موثری در تحویل این کودکان به بهزیستی داشت. اما فرزندی که هنوز در کنار مادران خود هستند زندگی بسیار پرخطری را تجربه می‌کنند و احتمالاً جمعیت کیفی جامعه با توجه به وجود این کودکان افزایش می‌یابد. میزان تمایل مادران به ترک بعد از ارائه خدمات روانشناسی و مددکاری بسیار پایین است که این موضوع ناشی از عادت این مادران به این نوع سبک زندگی است. این سبک زندگی سبب تولد کودکان بی‌هویت بسیاری می‌شود. با وجود تمام تلاش‌ها 689 کودک هنوز بی‌شناسنامه هستند. این کودکان حاصل روابط خارج از نکاح هستند و به دلیل عدم توانایی برای یافتن پدران آنها، این کودکان از نعمت هویت بی‌بهره‌اند.

مهم‌ترین علل وجود کودکان بی‌هویت چیست؟

مهم‌ترین علت زنانه شدن اعتیاد و آسیب‌های اجتماعی است. زنان برای تامین مواد مصرفی و معیشت خود به تن فروشی رو می‌آورند و در این فرایند نیز خدمات کاهش آسیب را به میزان اندکی دریافت می‌کنند. وزارت بهداشت محدودیت‌های پیشگیری از بارداری را اعمال کرده، اما این افراد همچنان در حال استفاده از ظرفیت‌های باروری خود هستند و تولدهای زیادی از این دست در جامعه داریم. باید بتوان روش‌های پیشگیری از بارداری را در مادران با رفتارهای پرخطر آزادتر کرد.

مهم‌ترین اقدامی که می‌توان برای این کودکان انجام داد چیست؟

مهم‌ترین اقدام سپردن این کودکان به مراکز سازمان بهزیستی است. این کودکان در صورت فرزندخواندگی شرایط بسیار خوبی دارند. ضعف قوانین حمایتی در حوزه کودکان در مورد فرزندی که هنوز در کنار مادران خود زندگی پر خطری را تجربه می‌کنند بسیار احساس می‌شود. سلب حضانت از این مادران بسیار سخت و دچار مشکلاتی است. این کودکان به دلیل عدم صدور شناسنامه از نعمت تحصیل برخوردار نیستند و اغلب آنها بی‌سواد بزرگ می‌شوند. تعداد زیادی از کودکان بی‌شناسنامه ذکر شده نتوانستند به مدرسه رفته و ثبت‌نام کنند و به این دلیل به مشاغل پرخطر رو آوردند. از این کودکان به عنوان خرده‌فروش مواد مخدر استفاده می‌شود و در بهترین شرایط این کودکان، کودکان کار می‌شوند. اقدام به ساخت و راه‌اندازی مهدکودک‌های شبانه‌روزی راهکاری است که می‌توان در پیش گرفت. به میزان زیادی پیگیر اجرای آن بودم و اکنون نیز توسط موسسه مهرآفرین آن را انجام می‌دهم. این مهدکودک‌ها باید در مناطقی ایجاد شوند که تمرکز جمعیتی مادران معتاد در آنها وجود دارد. برای مثال در پارک یا مناطق حاشیه‌ای شهر تهران، حاشیه‌هایی از مناطق 18 و 15 و در محله هرنندی تهران شاهد ازدیاد جمعیت این مادران هستیم. بنابراین باید مهدکودک‌های شبانه‌روزی را در این مناطق ایجاد کنیم. به ویژه محله هرنندی از این نظر در اولویت است. با ایجاد این مراکز مادری که رفتارهای پرخطر دارند کودکان خود را به این مهدکودک‌ها می‌سپارند و این کودکان در این مراکز از برخی آموزش‌ها و تغذیه سالم برخوردار می‌شوند. در این صورت این کودکان در ساعاتی از شبانه روز زندگی خود را در یک محیط سالم تجربه می‌کنند و همچنین شاهد رفتارهای پرخطر والدین خود نیستند. با توجه به قوانین موجود در دستگاه‌های مرتبط راهکار ما احداث مهدکودک‌های شبانه‌روزی است. این مجوز را موسسه مهرآفرین بعد از حدود دو سال فعالیت از سازمان‌های مربوطه دریافت کرد و به زودی اولین مهدکودک شبانه‌روزی

کشور در تهران، نزدیک محله هرندی راه اندازی می‌شود.

وضعیت فرایند دریافت حضانت این کودکان را به نسبت کودکان با هویت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فرزندان بی‌هویت معتاد بعد از آنکه در فرایند درمانی سم‌زدایی می‌شوند کاملاً وضعیت سلامتی خود را بازیابی و رویه رشد خود را مانند کودکان عادی طی می‌کنند. این کودکان به دلیل عدم حضور پدر و مادر فرایند فرزندخواندگی راحت‌تر طی می‌کنند. فرزندانی در بهزیستی در مورد موضوع فرزندخواندگی دچار مشکلند که والدین آنها قابل شناسایی و ردیابی هستند. برای مثال بزرگ‌ترین مشکل برای فرزندخواندگی کودکان والدین زندانی و آنهایی هستند که مسئولیت نگهداری و مراقبت از فرزند را به عهده نمی‌گیرند. این والدین کودکان خود را در بهزیستی رها نمی‌کنند، بنابراین بهزیستی نمی‌تواند آنها را به فرزندخواندگی بسپارد. در واقع دیدارهای مرتب این والدین با کودکان خود فرصت‌های به فرزندخواندگی گرفته شدن آنها را از بین می‌برد. هر کودک در بهزیستی هشت متقاضی برای به فرزندخواندگی گرفته شدن دارد و مردم علاقه‌مند به سرپرستی فرزندانشان هستند اما قوانین محدودکننده‌ای در این زمینه وجود دارد که مانع می‌شود. امیدواریم لایحه حمایت از حقوق کودک زودتر به تصویب برسد تا بتوان برای کودکانی که والدین آنها مانع از به سرپرستی گرفتنشان می‌شوند، کاری کرد. این لایحه از سال 84 در دوره‌های اصولگرایی تا اصلاح‌طلبی در مجلس باقی مانده و گویا نمایندگان هیچ‌انگیزه جدی برای تصویب آن نداشته و ندارند. فرزندانی دارای والدین بدسرپرست به دلیل حضور والدین به راحتی به سرپرستی گرفته نمی‌شوند و رفتار قضاتی که پرونده سلب حضانت این کودکان را رسیدگی می‌کنند نیز قابل‌نقد است. گاهی قضات در مواردی که والدین انحطاط اخلاقی دارند از آنها سلب حضانت نمی‌کنند، این کار سبب می‌شود که کودکان سال‌های طلایی خردسالی را به منظور به سرپرستی گرفته شدن از دست بدهند و در سنین شش و هفت‌سالگی متقاضیان بسیار کمی برای حضانت آنها وجود دارد. رهاکردن و عدم خدمات رسانی سازمان بهزیستی به این کودکان پس از 18 سالگی یکی دیگر از ضعف‌های قانون است، زیرا جوان بدون خانواده و عدم یادگیری مناسبات اجتماعی وارد جامعه‌ای می‌شود که رفتار و کنش اجتماعی را در آن فرا نگرفته است.